

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازی‌ها)

محمدعلی شهریار^۱، اسماعیل شفیعی^۲، نفیسه واعظ^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۴

چکیده

یکی از کشورهایی که مورد توجه جمهوری اسلامی ایران است، سوریه است. این کشور دارای اهمیت ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک است؛ به همین دلیل، نقطه برخورد نیروهای متضاد و بیشترین تنش‌هاست. قدرت‌های بزرگ و متوسط در منطقه و بیرون از منطقه، به علت همجواری این کشور با اسرائیل، کشورهای نفت‌خیز عربی و فلسطین، توجه ویژه‌ای به آن دارند. سوریه همچنین، دارای جایگاه مهمی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است و موقعیت ویژه این کشور برای حمایت از جبهه مقاومت، مقابله با صهیونیسم، گسترش نفوذ در خاورمیانه و رقابت با عربستان بسیار با اهمیت است. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها، به شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه می‌پردازد. پرسش مقاله این است که اهمیت سوریه برای جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در سناریوی تغییر بشار اسد، جمهوری اسلامی ایران چه سیاست‌هایی را باید دنبال کند تا موقعیت خود را در منطقه حفظ نماید؟ فرض بر این است که جمهوری اسلامی ایران خواهان خروج از محدودیت‌های ژئوپولیتیک و استفاده از فرصت‌های استراتژیک سوریه در جهت توسعه نفوذ در خاورمیانه و استمرار عمق استراتژیک خود است و نمی‌خواهد این موقعیت را از دست بدهد. ج.ا. ایران در این بازی یک بازیگر کمینه‌گر محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ایران، خاورمیانه، سوریه، سیاست منطقه‌ای، نظریه بازی‌ها

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ایران mash_1097@yahoo.com

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ایران esmaeilshafiee@yahoo.com

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، ایران vaezsh85@yahoo.com

۱- مقدمه

با توجه به سابقه روابط استراتژیک ج.ا.ایران و سوریه، تحولات اخیر در سوریه؛ اگرچه با نقش آفرینی جبهه معارضان به صورت میدانی دنبال می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد با حمایت برخی کشورهای عربی؛ به‌ویژه عربستان سعودی در پی سیاست‌های مهار ج.ا.ایران در منطقه خاورمیانه صورت می‌گیرد و هدفی فراتر از مسائل ملی سوریه دارد. هدف اصلی این بحران‌سازی، برخورد با جبهه مقاومت اسلامی و به‌صورت خاص، مهار ج.ا.ایران و کنترل بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی عمومی به دلیل جایگاهش در جبهه مقاومت و ارتباط و اتحاد با ج.ا.ایران در محاسبات منطقه‌ای و جهانی، اهمیت مضاعف پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که ایران را در یک بازی با حاصل جمع جبری صفر در مقابل رقبای سنتی خود قرار داده است.

سوریه بخش بااهمیتی از منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیاست. اعتقاد بر این است که اگر نظام سوریه تغییر کند؛ ج.ا.ایران، یک متحد راهبردی در شرق مدیترانه را، از دست خواهد داد و عمق راهبردی آن تهدید خواهد شد. شکستن ارتباط رو به گسترش سه کشور ایران، عراق و سوریه، علت عمده جنگ قدرت در سوریه است که ساقط کردن دولت‌های متحد با ج.ا.ایران را خواستار است تا به این طریق، آمریکا به اهداف ژئوپلیتیک خود دست یابد و عربستان سعودی نیز به هدفش - که کاهش نفوذ شیعیان و ایران در منطقه است- برسد.

بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند؛ روابط میان عربستان و ج.ا.ایران در سال‌های اخیر، ابعاد جدیدی، چون: تضادهای مذهبی و ایدئولوژیک، رقابت بر سر منافع سیاسی و ژئواستراتژیک و یک رقابت دائمی برای دستیابی به هژمونی منطقه‌ای به خود گرفته است (Paul & Van Duijine, 2009: 3). لذا این دو کشور دو رقیب استراتژیک در خاورمیانه

محسوب می‌شوند. پشتیبانی و حمایت‌های گسترده عربستان از نیروهای ضدانقلاب در دو کشور بحرین و مصر با تلاش‌ها و فعالیت‌های عربستان در سوریه در تقابل آشکار قرار دارد. عربستان در سوریه از نیروهای مخالف بشار اسد حمایت می‌کند. از طرف دیگر ج.ا.ایران، از دولت سوریه حمایت و انقلابیون سوریه را تحریک‌شده توسط عربستان سعودی، غرب و ترکیه معرفی می‌کند. روابط استراتژیک طولانی‌مدت نشان می‌دهد سوریه در سیاست خارجی ج.ا.ایران بسیار بااهمیت است. موقعیت استراتژیک سوریه از لحاظ پرستیژ در جبهه مقاومت، مسائل امنیت ملی، رقابت با عربستان سعودی و توسعه نفوذ در خاورمیانه برای ایران بسیار اهمیت دارد. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها، به شیوه توصیفی-تحلیلی سیاست خارجی ج.ا.ایران را در سوریه بررسی می‌کند. سؤال این است که سوریه چه اهمیت‌های ویژه‌ای برای ج.ا.ایران دارد؟ همچنین، ج.ا.ایران چه سیاستی را برای سوریه پس از بشار اسد، باید دنبال کند تا بتواند موقعیت خود را در منطقه حفظ نماید؟ فرض بر این است که ج.ا.ایران به دنبال خروج از محدودیت‌های ژئوپلیتیک و استفاده از فرصت‌های استراتژیک سوریه در جهت توسعه نفوذ در خاورمیانه و استمرار عمق استراتژیک خود است و به هر صورتی نمی‌خواهد این موقعیت را از دست بدهد. بنابراین، به دنبال حداقل کردن زیان در موقعیت استراتژیک خود در سوریه است.

۲- بنیان نظری

نظریه بازی‌ها^۱ حیطه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد توسعه یافته است و به مطالعه رفتار راهبردی بین «عوامل عقلانی» می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط به راهبرد انتخاب‌شده توسط خود؛ بلکه به راهبرد انتخاب‌شده توسط بازیگران دیگر هم بستگی داشته باشد. زندگی روزمره ما، مثال‌های

بی‌شمار از چنین وضعیت‌هایی دارد (عبدلی، ۱۳۸۶: ۱۹). رقابت دو کشور برای دست‌یابی به انرژی هسته‌ای یا دستیابی به منطقه‌ای استراتژیک، سازوکار حاکم بر روابط بین دو کشور در حل یک مناقشه بین‌المللی و ... نمونه‌هایی از این بازی‌ها هستند که نتیجه آنها بر اساس حاصل جمع جبری صفر قابل تبیین است.

ادعاهای ناظر بر کاربردهای ممکن نظریه بازی‌ها را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد: کاربردهای تحلیلی و کاربرد برای مشکل‌گشایی. این تقسیم‌بندی از آنجا نتیجه می‌شود که نظریه بازی‌ها، هم شیوه‌ای برای اندیشیدن درباره تعارض و تصمیم‌گیری است و هم وسیله‌ای برای کشف راهبردهای بهینه یا روشن ساختن مشکلات تصمیم‌گیری. می‌توان ادعا کرد که نظریه بازی‌ها ماده خامی در اختیار دانشمندان علوم سیاسی قرار می‌دهد که از آن مدل‌هایی دقیق، مقتصدانه و نیرومند بسازند که به یکی از راه‌های ممکن است برتری بارزی بر مدل‌های موجود داشته باشد (عبدلی، ۱۳۸۶: ۲۹).

نظریه بازی‌ها از موقعیت‌های رقابتی بحث می‌کند که در آن دو یا چند رقیب هوشمند با منافع متضاد به رقابت می‌پردازند. در این رقابت، بازیگران چندین انتخاب پیش رو دارند و هر بازیگر می‌کوشد دریافت خود را بهینه سازد (عرب، ۱۳۷۸: ۱۶۳). از آنجاکه ج.ا.ایران و عربستان در خاورمیانه بازیگرانی مطرح و دارای منافع متعارض نیز هستند و باهم در رقابت‌اند؛ به نظر می‌رسد نظریه بازی‌ها بتواند چگونگی این بازی را بین این دو کشور تشریح و تبیین کند. این وضعیت اکنون در نگاه عربستان و ایران به یمن و سوریه قابل مشاهده است. می‌توان واکنش ج.ا.ایران به برخورد عربستان در سوریه را در یمن مشاهده کرد و اقدامات عربستان در سوریه را تابع سیاست‌های ج.ا.ایران در بحرین و عراق دانست.

یکی از مفروض‌های اصلی نظریه بازی‌ها، اصل «کم بیشینه» است. طبق آن هر بازیگر به دنبال بیشترکردن کمترین امتیازی است که از به‌دست آوردن آن اطمینان دارد و

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) / ۱۲۳

در پی کم کردن بیشترین زیانی است که تحمل آن اجتناب‌ناپذیر است. این اصل در بازی حاصل جمع عددی صفر صدق می‌کند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۸۳-۱۸۴). این بازیگر را بازیگر «کمینه‌گر» می‌گویند (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۱۹۵). در مقابل، بازیگر بیشینه‌گر^۱ را داریم؛ که در یک بازی دونفره با حاصل جمع ثابت، سعی دارد پیامد کمینه ناشی از یک استراتژی را برای خود بیشینه سازد (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۱۹۵).

«ماتریس بازده‌ها»^۲: از دیگر مفاهیم موجود در نظریه‌بازی‌هاست که به آرایش مستطیل شکل از پیامدهای گوناگون بازی گفته می‌شود. سطرهای این مستطیل متناظر با راهبردهای خودمان و ستون‌های آن متناظر با راهبردهای حریف است (ونتسل، ۱۳۷۲: ۱۲). تئوری حرکت‌ها^۳: یکی از بزرگترین پیشرفت‌ها در نظریه بازی‌ها توسط پرفسور استیون برامز^۴ صورت گرفته است. وی شیوه تعمیمی برای نظریه بازی‌ها پیدا کرده که نظریه حرکت - حرکت یا نظریه حرکت‌ها خوانده می‌شود. استیون نشان می‌دهد که چگونه با واکنش هر بازیکن به راهبرد بازیکن دیگر، بازی تکامل می‌یابد (Brams, 1998:34). به اعتقاد برامز، بازیگران نه تنها در ذهن خود آثار فوری حرکات را در نظر می‌آورند؛ بلکه به آثار ضدحرکت‌ها^۵ یا واکنش‌های این حرکات و ضدضدحرکت‌ها^۶ توجه دارند (I: Brams, 1998). تئوری حرکت با توجه خاص به مفهوم بازده در نظریه کلاسیک بازی‌ها به این نکته اشاره دارد که بازده‌ها به بازیگران این امکان را می‌دهد که از حرکت‌هایی که در موقعیت‌های متفاوت رخ می‌دهد، ارزیابی پی‌درپی داشته باشند (Brams, 2001:8). از دید برامز، در تئوری حرکت؛ به جای گزینش استراتژی‌هایی از سوی دو بازیگر در ماتریس

1. Maximizing player

2. Payoffs matrix

3. Moves theory

4. Steven J. Brams

5. Countermoves

6. Counter- countermoves

بازده، بازیگران از یک نتیجه در ماتریس آغاز می‌کنند و در جریان بازی است که تصمیم می‌گیرند حرکت کنند یا نه (Brams, 1994:4). بدین صورت، در تئوری حرکت قوانین بازی نیز در جریان بازی و از سوی بازیگران درگیر، تعیین و عملیاتی می‌شوند. در نظریه کلاسیک بازی‌ها، بازیگر همزمان در ماتریس بازی استراتژی‌هایی را برمی‌گزیند که آثار انتخاب آنها را روشن می‌کند؛ اما در تئوری حرکت به جای اینکه بازی با گزینش یا استراتژی آغاز شود، چنین فرض می‌شود که بازیگران در آغاز بازی در چندین وضع قرار داشته‌اند یا چنین وضع را می‌توانند انتخاب کنند. بر پایه این بازده‌ها آنان باید به‌تنهایی تصمیم بگیرند که این وضع را برای اینکه بهتر شود، تغییر دهند یا نه (Brams, 2001:3). تئوری حرکت‌ها فائل به تداوم بازی است. از همین رو، جابه‌جایی واکنش‌های بازیگران و درپیش‌گرفتن موضع سخت و نرم همواره تکرار می‌شود و این حرکت‌ها و ضد‌حرکت‌ها در بازی جریان دارد (Brams, 1998:33).

در محیط عملیاتی واقعی؛ در سوریه، عربستان دنبال رهاکردن اهداف و منافع خود است؛ به شرط اینکه ایران یمن را رها کند؛ ولی ایران در یمن علاوه بر منافع خود در سوریه دنبال کسب موقعیت بهتری برای شیعیان یمن است تا موقعیت انصارالله یمن را مانند موقعیت حزب‌الله لبنان ارتقا دهد. در این مورد، سندی وجود دارد که از پیام محرمانه عربستان به ایران رسیده که در آن سعودی‌ها گفته‌اند ما سوریه را رها می‌کنیم و شما یمن را رها کنید (jahannews, 2015: dciypa, 5rt1, apr2). ایران در سوریه تاکنون از بشار اسد حمایت کرده است؛ اما در فضای سیاسی احتمالی بعد از بشار اسد ایران باید حداقل الگوی لبنان را دنبال کند تا در بازی منطقه شرق مدیترانه موقعیت استراتژیک خود را از دست ندهد. به عبارتی، ایران باید از وارد شدن بیشترین ضرر به موقعیت خود در سوریه جلوگیری کند.

۳- اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک سوریه

سوریه؛ زمانی مرکز امپراتوری اسلام بود. اکنون نیز گروه‌های نژادی گوناگونی، از قبیل: عرب (۹۰ درصد)، کرد (۹ درصد)، ارمنی، آشوری و ترکمن (۱ درصد) در آن زندگی می‌کنند. از لحاظ مذهبی نیز می‌توان این گروه‌های مذهبی را در سوریه مشاهده نمود: مسلمان سنی (۷۴ درصد)، علوی (۱۲ درصد)، مسیحی (۱۱ درصد) و دروزی (۳ درصد). سوریه بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸م، حدود ۲۰۵۸۱۲۹۰ نفر جمعیت داشته و مساحتی بالغ بر ۱۸۵۱۷۰ کیلومتر مربع دارد. در سال ۱۹۴۶م از فرانسه استقلال یافته‌است و از دوره حافظ اسد، دارای حکومت اقتدارگرایانه بوده و در عرصه بین‌المللی با سیاست ضدصهیونیستی توصیف شده است (ذوقی بارانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۰). از لحاظ جغرافیایی؛ در جنوب غربی قاره آسیا، کنار دریای مدیترانه و در همسایگی کشورهای ترکیه در شمال، عراق در شرق و جنوب شرقی، اردن در جنوب، اسرائیل در جنوب غربی و لبنان در غرب واقع شده است. بندرهای مهم سوریه عبارتند از: لاذقیه، طرطوس و بانیاس که در کنار دریای مدیترانه واقع شده‌اند. سوریه از چند جهت دارای اهمیت است: به واسطه منطقه جغرافیایی و بافت نیروی انسانی موجود در آن، از منظر تخصصی در جهان عرب و نزدیکی آن به فلسطین؛ در میان کشورهای عربی؛ مصر، سوریه و عربستان لایه‌های نخست کشورهای مهم جهان عرب را تشکیل می‌دهند. سوریه با دارا بودن بافت حکومتی تعریف شده در جهان اسلام، در حوزه مقاومت جهادی، به‌عنوان ستون فقرات مقاومت در این مسیر شناخته می‌شود. این کشور در کل خاورمیانه اهمیت دارد و بالتبع جایگاه سوریه در جهان عرب، جهان اسلام، جغرافیای خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای همیشه جایگاه بالایی بوده است. هرگونه رویدادی در سوریه می‌تواند پیامدهای متفاوتی در این لایه‌ها و از هر لایه‌ای به لایه دیگر در پی داشته باشد (همان: ۲۰۱). سوریه در سواحل شرقی دریای مدیترانه قرار گرفته و از ۱۸۶ کیلومتر ساحل برخوردار است و همسایگی این کشور با

فلسطین اشغالی و اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق اهمیت استراتژیک آن را بسیار بالا برده است. سوریه تنها کشوری است در میان کشورهای عربی خاورمیانه که نقش نسبتاً مستقل تری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا نموده است. نقش آفرینی این کشور در معادلات سیاسی لبنان و درگیری با اسرائیل، از جمله مواردی است که از لحاظ راهبردی سوریه را مهم جلوه می‌دهد. نکته دیگر آنکه سوریه جزئی از جریان مقاومت در کنار ج.ا.ایران، حزب‌الله و حماس در مقابله با اسرائیل به شمار می‌آید. دلیل دیگر برای اهمیت راهبردی این کشور نزد بازیگران بین‌المللی؛ توانایی سوریه برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق از راه بنادر بانیاس و طرطوس در ساحل مدیترانه به اروپاست (Nerguizian, 2012: 84).

اهمیت راهبردی سوریه را می‌توان در این موارد خلاصه نمود: ۱- قرار گرفتن در نقطه اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا؛ ۲- همسایگی با لبنان، عراق، فلسطین؛ به عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک مد نظر ایران؛ ۳- تنها کشور نزدیک به ایران در اتخاذ سیاست‌های مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی در جهان عرب؛ ۴- مسیر انتقال نفت و گاز ایران و عراق به اروپا؛ ۵- تأثیرگذاری در موفقیت جبهه مقاومت و ارتباط‌دهنده ایران به حماس و حزب‌الله. در صورت ایجاد مشکل در رژیم بشار اسد و سرکارآمدن نیروهای دیگر به جای وی؛ به خصوص در صورتی که وابستگان آمریکا و عربستان در سوریه به قدرت برسند، دستیابی ایران به منطقه از بین خواهد رفت. البته، شاید ایران بتواند در آینده سوریه حزب‌الله دیگری مانند حزب‌الله لبنان داشته باشد. بر همین اساس، تا جایی که می‌تواند باید از بشار اسد حمایت کند؛ ولی در نهایت باید نقطه اتکایی در حاشیه مدیترانه و شامات، برای خود تدارک بیند.

۴- روابط سیاسی ج.ا.ایران و سوریه

روابط سیاسی ج.ا.ایران و سوریه به سال ۱۹۴۶م برمی‌گردد. در این تاریخ سوریه به استقلال رسید و ایران بلافاصله این استقلال را پذیرفت. در این دوران با وجود حکومت‌های با دیدگاه‌های متفاوت، روابط و همکاری‌های مناسبی بین دو دولت برقرار بود که ناشی از وجود یک دشمن مشترک به نام رژیم بعث عراق بوده است. پس از انقلاب اسلامی ایران، مناسبات سیاسی و روابط استراتژیک مستحکمی بین دو کشور به وجود آمد؛ زیرا ادامه حیات دشمن سابق و اتخاذ استراتژی مشترک در قبال رژیم صهیونیستی باعث شد این دو کشور به متحدانی استراتژیک تبدیل شوند که نمود آن در حمایت از گروه‌های اسلامگرا نظیر حماس و حزب‌الله و ایجاد محور مقاومت در برابر سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و اسرائیل ظاهر شود. در قبال آنها؛ کشورهای غربی و عربی از دهه ۸۰م شروع به اقداماتی برای دور کردن سوریه عربی از ایران فارسی نمودند؛ اما هیچ‌گاه موفق نشدند این رابطه را قطع کنند. نمونه بارز آن تلاش عربستان و کویت برای کنترل یا قطع ائتلاف سوریه با ج.ا.ایران در طول جنگ (تحمیلی) و پیشنهاد تأمین نفت مورد نیاز سوریه و حزب‌الله از طرف آنها به جای ج.ا.ایران بود، که دولت سوریه نپذیرفت و تاکید کرد که روابط ایران و سوریه، استراتژیک است (غرایاق زندی، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

در زمان جنگ ج.ا.ایران و عراق، سوریه به دلیل اختلاف نظر شدیدی که با «صدام حسین» بر سر رهبری جهان‌عرب و نگرش آن به ج.ا.ایران داشت؛ همواره از ایران پشتیبانی و حمایت کرد و ج.ا.ایران نیز در عوض امتیازهای تجاری و اقتصادی قابل توجهی به سوریه اعطا کرد که از آن جمله می‌توان به صادرات یک میلیارد دلار نفت خام رایگان به سوریه (در مقابل مسدودکردن مسیر صادرات نفت عراق از خاک سوریه) اشاره نمود. دولت سوریه، انقلاب اسلامی ایران را عاملی می‌دانست که ایران را از متحد اسرائیل به طرفداری اعراب بدل کرد. به قول حافظ اسد:

«ایران بدون شک از اعراب و آزادسازی سرزمین‌مان حمایت می‌کند... چگونه ما می‌توانیم ایران را با انقلاب اسلامی و استعداد‌های انسانی، نظامی و اقتصادی‌اش از دست بدهیم.»

در آغاز جنگ عراق علیه ج.ا.ایران، حافظ اسد حمله صدام را محکوم کرد و آن را جنگی اشتباه در «زمان اشتباه» و علیه «دشمن اشتباه» دانست. سوریه در نوامبر ۱۹۸۰م با ایجاد ائتلاف عربی علیه ج.ا.ایران مخالفت کرد و در سال ۱۹۸۱م کاملاً طرف ج.ا.ایران را گرفت و در سال ۱۹۸۲م خط لوله نفت عراق را به خاطر ج.ا.ایران قطع کرد و تلاش کرد شوروی را از حمایت عراق باز دارد و کشورهای عمان و امارات را به برقراری روابط با ایران ترغیب نماید و حتی با فشار عربستان و کویت و تطمیع و تهدید آن به قطع کمک به سوریه در قبال اسرائیل، تن به قطع ارتباط با ایران نداد (غریاق زندی، ۱۳۸۸ : ۱۵۵-۱۵۷). در بحث پرونده هسته‌ای؛ سوریه دائم از برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران دفاع نموده و اعلام کرده است ایران حق دارد بر اساس قوانین بین‌المللی از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز استفاده کند. علاوه براین، سوریه اجازه استقرار نیروی سپاه پاسداران در خاک خود و نزدیکی مرز لبنان را صادر کرد تا از این طریق حزب‌الله لبنان مستقیماً از جانب ایران حمایت شود.

البته، سوریه طی سه دهه گذشته، ارتباطات و مناسبات خود در جهان عرب را فدای ایران نکرده و همواره از موضع اعراب در مناقشات با ج.ا.ایران حمایت کرده است. سوریه؛ از امارات متحده و ادعاهای آن نسبت به جزایر سه‌گانه حمایت نموده و از کنار رابطه خود با ج.ا.ایران توانسته از اعراب کمک مالی کسب کند، ارزش خود را در نظر اعراب بالا ببرد و نقش میانجی را در منازعه ج.ا.ایران و اعراب ایفا کند. همچنین، نقش مشابهی نیز در منازعه غرب با ج.ا.ایران داشته باشد (هانتر، ۱۳۹۲ : ۳۷۷).

در خلال جنگ داخلی سوریه، ج.ا.ایران از اصلی‌ترین حامیان حکومت بشار اسد محسوب می‌شود که بشار اسد نیز به این امر اذعان نموده است. با شروع بحران، روابط

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) / ۱۲۹

نظامی و امنیتی سوریه و ج.ا.ایران بیشتر شده است. سپاه پاسداران ج.ا.ایران، حمایت خود را از حکومت بشار اسد افزایش داده، آنها نیروهای نظامی و امنیتی کلیدی سوریه را آموزش دادند و به این کشور کمک کردند تا توانایی نظامی خود را گسترش دهد (سایت آفتاب، نجات، ۱۳۹۳).

با وجود این سابقه به نظر می‌رسد؛ روابط ج.ا.ایران و سوریه، روابط استراتژیک در مقابل دشمن مشترک بوده و در هر دوره‌ای باید استمرار داشته باشد. با نگاهی که ایران به موقعیت استراتژیک شامات دارد، مؤلف این پژوهش، بر این اعتقاد است که با توجه به تفاوت‌های ایدئولوژیک ایران و اسرائیل بعد از انقلاب، سوریه جایگزین اسرائیل در استراتژی مدیترانه ایران شده است. ایران بنا به خروج از بن‌بست و مشکلات تنگه هرمز ناگزیر است از مسیر زمینی انرژی را به مدیترانه انتقال دهد؛ لذا بر این اساس به موقعیت استراتژیک و ژئواکونومیک شامات و عراق نیاز دارد.

۵- روابط اقتصادی

فواید اقتصادی برقراری روابط ایران و سوریه برای سوریه شامل خرید نفت با شرایط به‌صرفه، سرمایه‌گذاری و درآمدزایی در سوریه به‌واسطه رفت‌وآمد گردشگران (و زائران) ایرانی است. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰م، سرمایه‌گذاری ج.ا.ایران در سوریه افزایش یافته و در سال ۲۰۰۸م به ۳ میلیارد دلار رسیده بود. ایران در سوریه در تعدادی از پروژه‌های صنعتی و کشاورزی مشارکت داشته است؛ از جمله احداث کارخانه اتومبیل‌سازی و سیمان (هانتر، ۱۳۹۲: ۳۷۳). علاوه بر این، سوریه سال‌هاست که از دریافت نفت رایگان و زیرقیمت بازار از ایران بهره‌مند می‌شود (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۵۴). عبور خطوط انتقال انرژی ایران به اروپا نیز از فوائد اقتصادی سوریه در آینده است.

شرکت مدیریت پروژه‌های نیروگاهی ایران (مپنا)^۱ به مشارکت در ساخت چند نیروگاه برق از جمله نیروگاه سیکل ترکیبی «جندر»^۲ و «نیروگاه سیکل ترکیبی» «تشرین»^۳ اقدام نموده است. قرارداد ساخت این نیروگاه در سال ۱۳۸۶ منعقد شد (سیاست روز، پناه‌خواهی، ۱۳۸۹). تلاش‌هایی برای انتقال انرژی ج.ا.ایران به اروپا از خاک سوریه و عراق صورت گرفته است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نفت مهندس جواد اوجی تصریح کرد:

«به این منظور قرار است خط لوله‌ای از پارس جنوبی به طول ۷۵۰ کیلومتر تا مرز ایلام کشیده و از این راه، گاز ایران از پارس جنوبی به عراق و سپس به سوریه، لبنان و دریای مدیترانه و در نهایت اروپا صادر شود.» (MOP, 1395)

۶- روابط نظامی

همکاری نظامی دو کشور به جنگ عراق علیه ایران برمی‌گردد. سوری‌ها در این جنگ، با ارسال تسلیحات نظامی ج.ا.ایران را یاری می‌کردند (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۵۴)؛ ضمن اینکه زمینه‌های حضور نیروهای قدس را «بقاع» لبنان فراهم ساختند و آنان با بسیج سیاسی و فرهنگی به جذب و آموزش جوانان شیعه در بقاع اقدام کردند؛ جوانانی که پیشگامان تشکیل حزب‌الله و مقاومت نظامی شدند (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۶۱). ج.ا.ایران و سوریه در سال ۲۰۰۶م اقدام به امضای یک تفاهم‌نامه نظامی کردند که بر پایه آن

1. Mapna

2. Jandar

3. Teshrin

4. MOP

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) / ۱۳۱

همکاری های نظامی دریایی این دو کشور در دریای مدیترانه گسترش می یافت؛ ولی مفاد این پیمان تا سال ۲۰۱۱م و انقلاب ۲۰۱۱ مصر و سقوط حکومت حسنی مبارک عملی نشد. پس از آنکه حکومت حسنی مبارک کنترل کانال سوئز را از دست داد، دو ناو جنگی ایرانی موفق شدند برای نخستین بار به مدیترانه راه یابند و در بندر «لاذقیه» سوریه پهلو بگیرند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۸۹). ایران در سال ۲۰۱۰م در جهت شناسایی حملات موشکی و هوایی اسرائیل، سامانه راداری پیشرفته ای را به سوریه تحویل داد. هدف از این کار، دفاع از تاسیسات برنامه هسته ای ایران در برابر حملات موشکی و تامین امنیت هوایی سوریه و حزب الله لبنان در برابر حملات هوایی جنگنده های نیروی هوایی اسرائیل بیان شده است (wsj, Levinson, 2010).

با توجه به این سوابق، روابط سوریه و ج.ا.ایران برای هر دو کشور بسیار مهم و راهبردی بوده است. ایران سوریه را بیشتر به عنوان یک دروازه استراتژیک به دنیای عرب، سنگری علیه آمریکا و اسرائیل و مهم تر از همه راه ارتباط با حزب الله می بیند. بنابراین، همان طور که اشاره شد، روابط ایران و سوریه چیزی فراتر از ابعاد ایدئولوژیک و دینی و بیشتر بر اساس نگاه امنیتی و استراتژیک استوار است که بر اساس یک سری اشتراکات استراتژیک نیز استوار است.

الف) موضع مشترک ضد امپریالیستی: ج.ا.ایران و سوریه هر دو از امپریالیسم و استعمار زیان دیده و به فکر جبران آنند؛ به گونه ای که هر دو کشور در قبال نظام جهانی، سیاست ضدیت با وضع موجود را اتخاذ نموده اند. ایران؛ به علت از دست دادن مناطقی از سرزمین خود در جنگ های ایران و روس و واگذاری هرات تحت فشار نظامی و سیاسی انگلستان و همچنین، اشغال در دو جنگ جهانی اول و دوم و نیز، حوادث کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و پروژه جدایی بحرین و در نهایت، جنگ تحمیلی، و سوریه؛ به علت مستعمره بودن و تحت قیمومت قرار گرفتن و در نهایت، جدایی لبنان از خاک سرزمین اش و تشکیل یک

دولت مسیحی در شرق و یک دولت یهودی در غرب کشورش تحت تدابیر و استراتژی‌های استعمارگران و قدرت‌های بزرگ که نهایتاً به جنگ اعراب و اسرائیل منجر شد و در پایان نیز بلندی‌های جولان را از دست سوریه گرفت و تاکنون نیز در اشغال اسرائیل است، به شدت موضع ضد‌امپریالیستی دارند.

ب) مسأله کردها و امنیت ملی: ج.ا. ایران به‌خاطر داشتن اقلیت کرد، همیشه مسائل مربوط به کردهای عراق، سوریه و ترکیه را مورد توجه داده است. اندیشه‌های سیاسی کرد بر اساس قومیت قرار گرفته‌است و کردهای این کشورها در بخش‌های فقیرنشین آنها ساکن هستند و می‌توانند مورد بهره‌برداری دولت‌های رقیب و معارض در منطقه قرار گیرند. بعلاوه، این قوم دائماً خود را از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محروم می‌دانند و فکر تشکیل حکومت بزرگ کردستان را در سر دارند. کردهای منطقه در تحولات اخیر سوریه به صورت فعال و تاثیرگذار شرکت دارند. از گروه‌های معارض بشار اسد می‌توان به کردهای موسوم به جمعه آزادی و یا اسیران آزادی نام برد. حضور فعال آنها در اعتراضات مناطق کردنشین «حسکه» و «قامشلی» و مناطق کردنشین دمشق، نشان‌دهنده برجسته‌شدن هرچه بیشتر نقش کردها در تحولات اخیر سوریه است. حضور فعال اپوزیسیون کرد در نشست استانبول در سال ۱۳۹۰ش و اقدام به بلندکردن پرچم کردستان، نشان‌دهنده اهمیت روزافزون آنها در مسائل سیاسی سوریه و منطقه است. شواهدی مبنی بر اینکه در میان کردهای معارض بشار اسد، تعداد زیادی از زنان و مردان کردستان ایران حضور دارند وجود دارد. به‌نظر می‌رسد کردهای سوری نیز در کنار کردهای دیگر منطقه مثل کردهای عراق با توجه به وضعیت کلی کردهای منطقه خاورمیانه، راه رسیدن به اهداف کلان کردها را در حق‌خواهی خود از حکومت بشار اسد دنبال می‌کنند که با موفقیت آنها، امکان تحرک مجدد کردهای ایران نیز وجود دارد.

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) / ۱۳۳

ج) اهمیت علوی‌های سوریه: سوریه دارای نظام تک‌حزبی است که از ۱۹۵۰م سازمان مسلطی را در این کشور ایجاد کرده است. رهبران این حزب از ۱۹۶۳م قدرت سیاسی را در دست گرفته‌اند. ساختار حزب بعث در اختیار اهل سنت و ساختار دولت و نهادهای امنیتی در دست علوی‌هاست. از زمان فوت حافظ اسد و انتقال قدرت به فرزندش، نقش حزب بعث کمرنگ شده و امور دستگاه‌های امنیتی به‌طور کامل در دست علویان افتاده است (غریاق زندی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). رژیم علوی در سوریه خطر کمتری از رژیم سنی این کشور برای ایران دارد. وجود رژیم علوی در سوریه می‌تواند شکاف فارسی/ شیعی و عربی/ سنی را که اهل سنت و اعراب به آن دامن می‌زنند؛ کاهش دهد؛ ضمن اینکه ایران به واسطه رژیم علوی سوریه می‌تواند از نفوذ عربستان در منطقه نیز جلوگیری کند. از دید عربستان، سقوط بشار اسد یعنی از بین رفتن متحد ایران در منطقه است و تهران با سرنگونی نظام حاکم در دمشق تضعیف خواهد شد. عاملی که زمینه را برای عربستان مهیا می‌سازد تا رهبری ائتلاف سنی طرفدار و هم‌پیمان با غرب را از آن خود کند و از این طریق شکاف سنی/ شیعه را تشدید و ائتلاف ضد ایرانی را مستحکم نماید.

د) اهمیت سوریه در حمایت از حزب‌الله: سوریه؛ لبنان را منطقه حائل و ایران؛ آن را جبهه مبارزه با اسرائیل می‌داند. سوریه امکان حضور ایران در لبنان را تامین و تضمین می‌کرد. این امر موجب پیدایش حزب‌الله، تشدید حرکت اسلامی فلسطین اشغالی و فشار بر اسرائیل شد و تداوم این جریانات از نظر صدور انقلاب بسیار موفقیت‌آمیز تلقی می‌شد (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱: ۱۷۵). منتقدان ج.ا. ایران، معتقدند؛ پیروزی معارضان سوری و برکناری بشار اسد و دولت وی، موجب می‌شود که ج.ا. ایران یکی از مهمترین متحدان خود در منطقه را از دست بدهد و موقعیت جریان مقاومت علیه اسرائیل تضعیف گردد. به عبارت دیگر، کناررفتن «اسد» از صحنه سیاسی، بازتاب مستقیمی بر تحولات منطقه خواهد گذاشت؛ به‌صورتی که موقعیت حزب‌الله و به‌دنبال آن حماس نیز به‌خطر می‌افتد و از نفوذ

ایران در منطقه کاسته و مسائل امنیتی ایران بیشتر و پیچیده‌تر می‌شود. ج.ا.ایران، بارها از جمله در جنگ ۲۲ روزه، جنگ ۳۳ روزه و اخیراً در جنگ ۸ روزه حزب‌الله با اسرائیل رسماً اعلام کرد که از حزب‌الله حمایت نموده است؛ ضمن اینکه از کمک به حماس در حملات اسرائیل به غزه و تلاش این گروه در بازپس‌گیری سرزمین اشغالی فلسطین نیز دریغ نکرده است. مطمئناً تحلیل چگونگی کمک‌های ایران به حزب‌الله و حماس بدون در نظر گرفتن نقش سوریه بسیار مشکل است. برای ایران خطر بی‌ثباتی سوریه دست‌کم شامل از دست‌رفتن بخشی از توانایی اعمال نفوذ در منازعات اعراب-اسرائیل، فلسطینی‌های جنگ‌طلب و متحدان شیعی خود در لبنان و به‌خصوص گروه حزب‌الله است (Nerguizian, 2012 : 84).

ه) اهمیت ژئواستراتژیک سوریه برای ایران: سه دیدگاه اساسی درباره نوع رویکرد و راهبرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال سوریه قابل ذکر است: الف) دیدگاه حقوق بشری: طرفداران این دیدگاه بر این باورند که حکومت بشار اسد و حاکمیت حزب بعث در سوریه دارای ساختار غیردمکراتیک و ناعادلانه بوده و در جریان تحولات اخیر و برخورد با معترضان به نقض گسترده حقوق بشر پرداخته است و ج.ا.ایران نیز باید با درک این موضوع، همگام با کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه‌ای، از جمله ترکیه و بیشتر کشورهای عضو اتحادیه عرب، در صف تحریم‌کنندگان سوریه قرار گیرد و سرانجام در راستای سقوط حکومت بشار اسد حرکت کند. ب) دیدگاه صرفاً ایدئولوژیک: بر این باور است که حکومت کنونی سوریه در صف جریان مقاومت منطقه بوده و موقعیت استراتژیک این کشور به لحاظ همجواری با گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین، از اهمیت ویژه‌ای - در راستای آرمان‌های جمهوری اسلامی - برخوردار است و از آن‌جا که سقوط بشار اسد در صف جریان مقاومت خلل ایجاد می‌کند، باید در هر شرایطی، از سقوط حکومت سوریه جلوگیری کرد. ج) دیدگاه ژئوپلیتیک و استراتژیک؛ بر این باور

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) / ۱۳۵

است که ج.ا.ایران یک قدرت منطقه‌ای و بلکه قدرت برتر منطقه است و یکی از مؤلفه‌های برتری قدرت ایران ساختار سیاسی و امنیتی خاص حاکم بر این منطقه حساس است. ساخت قدرت در خاورمیانه و وجود گروه‌های مقاومت از جمله حزب‌الله و حماس و اتحاد محکم حکومت کنونی سوریه با ج.ا.ایران و موقعیت استراتژیک این کشور متفاوت عربی و از طرفی تحولات اخیر در کشورهای عربی و سقوط دیکتاتورهای دست‌نشانده و هم‌پیمان غرب و روی کار آمدن حکومت‌های اسلامگرا در این کشورها، موقعیت برتر ج.ا.ایران را تحکیم بخشیده، سقوط حکومت سوریه؛ به‌ویژه با دخالت خارجی، معادلات را به نفع رقبای منطقه‌ای و مخالفان فرامنطقه‌ای این کشور متحول خواهد ساخت؛ بنابراین، راهبرد ج.ا.ایران باید مبتنی بر حفظ موقعیت کنونی سوریه باشد (سایت سیاسی - پرسی، زینی وند، ۱۳۹۴). با توجه به اختلافات ایدئولوژیک و مذهبی بین ایران و رژیم بشار اسد، این دیدگاه بیشتر با واقعیت همخوانی دارد. لذا ج.ا.ایران در راستای رسیدن به این اهداف در سوریه این استراتژی‌ها را سامان داده است:

۱- ایجاد گروه‌های شبه‌نظامی و آموزش نظامی - امنیتی به نیروها و ترغیب حزب‌الله به دفاع از سوریه: ایجاد این نیروهای شبه‌نظامی در سوریه بر پایه مدل بسیج ایران، این امکان را به ایران می‌دهد تا بعد از بشار اسد (و در دوران حکومت‌های جایگزین اسد) نیز به اعمال نفوذ و قدرت در این کشور بپردازد (تکرار مدل حزب‌الله لبنان در سوریه)؛

۲- دامن زدن به نفرت اعراب از آمریکا و اسرائیل در قبال بحران سوریه؛

۳- استفاده از تاکتیک پدافند غیرعامل در سوریه برای تقویت مواضع دفاعی این کشور: یکی از این اقدامات حمایت از پول ملی سوریه و کمک مالی به سوریه و تاسیس ساخت‌های زیربنایی در آن کشور است؛

۴- اتحاد و نزدیکی با چین و روسیه (برای تقویت جناح مقابل با آمریکا در خاورمیانه) (سیمبر و قاسمی، ۱۳۹۳ : ۱۷۴-۱۷۲).

با اتخاذ این استراتژی از جانب دستگاه سیاست خارجی؛ مشکل ج.ا.ایران بعد از بشار اسد نیز تا حدودی حل خواهد شد؛ هرچند تاکنون ایران حتی در راه‌حل‌های سیاسی پیشنهادی برای حل بحران سوریه، با هرگونه پیش‌شرطی که به کناررفتن بشار اسد از قدرت منجر شود، مخالفت خود را اعلام کرده است. مقامات ج.ا.ایران نیز از حمایت ایران از دولت و ملت سوریه صحبت و با طرح تجزیه عراق و سوریه اعلام مخالفت نموده‌اند (Tasnimnews, 1394/12/08).

به‌طورکلی، اهمیت امنیتی سوریه برای ج.ا.ایران را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود: ۱- سوریه به‌عنوان سد نفوذ سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن در خاورمیانه؛ ۲- هم‌مرز بودن سوریه با حزب‌الله و اسرائیل؛ ۳- قرارگرفتن در محل تلاقی و اتصال ایدئولوژی ایران اسلامی و ناسیونالیسم عربی؛ ۴- سوریه به‌عنوان محلی برای اتخاذ استراتژی دفاع-تهاجم ایدئولوژیک (و ژئوپلیتیک) ج.ا.ایران (سیمبر و قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۴۳).

ج.ا.ایران به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران سوریه با داشتن روابط دیرینه تاریخی با دولت سوریه و همچنین، اهمیت راهبردی سوریه برای ج.ا.ایران به صورت مستقیم از بحران سوریه متأثر شده است؛ به‌گونه‌ای که بحران سوریه به مسأله امنیت ملی ایران تبدیل شده است. ج.ا.ایران برای حفظ امنیت ملی خود در قبال تهدیدات به‌وجود آمده، رویکرد حمایت همه‌جانبه خود را از دولت بشار اسد به اجرا گذاشته و اتحادی با کشورهای روسیه و چین برای جلوگیری از سلطه غرب بر این منطقه اتخاذ کرده و سیاست خارجی خود را در این راستا تنظیم کرده است. این اقدامات ایران در راستای همان مشکل فقدان متحد استراتژیک در منطقه صورت می‌گیرد. در این میان، سوریه به عنوان تنها متحد استراتژیک ج.ا.ایران در خاورمیانه می‌تواند نقش بسیار مهمی برای سیاست امنیتی ج.ا.ایران ایفا کند. بحران کنونی سوریه ممکن است به تحول ساختاری در

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) / ۱۳۷

مجموعه امنیتی خاورمیانه منجر شود و پای قدرت‌های بزرگ را به منطقه بیشتر باز نماید. تغییر در ساختار قدرت سوریه و سقوط اسد می‌تواند صف‌بندی فعلی بین کشورها را در منطقه تغییر دهد و سرکار آمدن گروه‌های ضد ایرانی در حکومت سوریه به انزوای بیشتر ج.ا.ایران در محیط امنیتی منطقه منجر شود. این مسائل است که باعث شده ماندگاری بشار اسد برای ایران مهم باشد و سقوط وی خط قرمز ایران شود.

ج.ا.ایران و سوریه دو کشور تاثیرگذار در خاورمیانه هستند که بیش از سه دهه است با هم روابط «استراتژیک» دارند (غریاق زندی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). برای تایید نگاه ژئواستراتژیک ایران به سوریه و نگاه استراتژیک سوریه به ایران، کافی است نگاهی بیفکنیم به دوست‌یابی این دو کشور و اهمیت قائل شدن به ائتلاف یکدیگر در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران:

متحدان ایران پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹م (۱۳۵۷ش) عمدتاً اسرائیل در شرق مدیترانه و عربستان در منطقه خلیج فارس بودند. ایران پهلوی، مسأله اعراب و اسرائیل را مسأله عربی می‌دانست و براساس الگوی تقسیم‌بندی خاورمیانه به کشورهای عربی و غیرعربی، به دنبال ائتلاف فرهنگی بین واحدهای غیرعرب منطقه؛ یعنی اسرائیل و ترکیه بود و تنها در منطقه خلیج فارس با نظارت آمریکا با عربستان سعودی تشکیل ائتلاف داد. پس از انقلاب اسلامی رابطه ج.ا.ایران و اسرائیل در خاورمیانه جای خود را به رابطه ایران و سوریه داد (غریاق زندی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). بر این اساس، نگاه ایران به شرق مدیترانه نگاهی ژئواستراتژیک است؛ یعنی ایران در هر زمانی نگاهی به حاشیه مدیترانه داشته و بنا به مورد بهره‌برداری‌هایی از آن را انتظار داشته است. اگر در قبل از انقلاب با اسرائیل ارتباط نزدیک برقرار می‌نموده‌است و بعد از انقلاب بنا بر ملاحظات انقلابی و ایدئولوژیک در کنار سوریه قرار می‌گیرد؛ چیزی بیش از ملاحظات ایدئولوژیک را دنبال می‌کند؛ همچنانکه در بیان‌های مقامات سیاسی ایران نیز به عمق استراتژیک و دورکردن

تهدیدات امنیتی از مرزهای فیزیکی نیز نشانه‌هایی از آن قابل مشاهده است؛ ضمن اینکه با نگاهی به اختلافات ج.ا.ایران و سوریه از بعد سیاسی و ایدئولوژیک نیز می‌توان درک نمود که اهمیت این دو برای هم، چیزی فراتر از اهداف ایدئولوژیک است. سوریه یک کشور عرب و مدعی سردمداری ملی‌گرایی عربی با نظام سیاسی بعثی و گرایش‌های سوسیالیستی و در نهایت سکولار، چگونه ممکن است در جنگ تحمیلی عراق علیه ج.ا.ایران جانب کشوری غیرعرب و به تعبیر عراق و عربستان رقیب و دشمن اعراب را بگیرد و در کنار یک نظام دینی و اسلامی قرار بگیرد؟ مگر اینکه از نگاه استراتژیک به این ائتلاف نگاه کرده باشد.

حتی در طول زمان برگزاری نشست‌های مادرید که برای صلح اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۹۲م از طرف آمریکا تدارک دیده شده بود و به کنفرانس «اسلو» و ورود سوریه به این کنفرانس منجر گردید، ائتلاف ج.ا.ایران و سوریه صدمه‌ای ندید. همچنین، همکاری سوریه با آمریکا در حمله به عراق در سال ۲۰۰۳م، مذاکرات موسوم به نقشه راه و مذاکرات اسرائیل و سوریه و همچنین، اقدام شدید حافظ اسد علیه اخوان‌المسلمین سوریه، باعث تغییر رابطه ج.ا.ایران و سوریه نشد (غرایاق زندی، ۱۳۸۸ : ۱۵۲).

از جانب دیگر، قدرت‌های بزرگ همواره به‌خاطر موقعیت راهبردی، ذخایر عظیم انرژی و حضور اسرائیل و متحدان دیگرشان از جمله عربستان، نسبت به خاورمیانه حساس بوده‌اند. نتیجه مداخله جهانی و متابعت محلی، ظهور جنبش‌های مقاومت عمومی و رژیم‌های تجدیدنظرطلب بوده است. ج.ا.ایران و سوریه به‌عنوان زخم‌خوردگان استعمار و استثمار، گرایشی ضد امپریالیستی و سیاست خارجی تجدیدنظر طلب دارند. بنابراین، طبیعی است که با راهبردهای استراتژیک ضد همژمون و ناراضی از وضع موجود در کنار هم قرار بگیرند، تا ضمن جلوگیری از ثبات هژمونیک آمریکا در منطقه، از به حاشیه رانده

شدن خود در سیاست‌های منطقه‌ای جلوگیری کنند و بتوانند موانع سیاسی لازم را در برابر جهانی شدن هژمونی قدرت‌های بزرگ در خاورمیانه پدید آورند.

نتیجه‌گیری

استمرار روابط با دولت سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران یک اولویت به‌شمار می‌رود؛ زیرا یک شراکت ضروری در پروژه‌های منطقه‌ای و چندبعدی به‌شمار می‌رود. جایگاه سوریه در جهان اسلام و عرب، جغرافیای خاورمیانه و معادلات منطقه‌ای، همسایگی با فلسطین و اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق، دارا بودن نقش مستقل و همراستا با ج.ا.ایران در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی؛ بخصوص در معادلات سیاسی لبنان و جریان مقاومت، درگیری با اسرائیل و سیاست‌های مشترک با ج.ا.ایران در قبال سیاست‌های هژمون و همکار هژمون و توانایی‌اش برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق به اروپا، داشتن مسائل امنیتی همسو با ج.ا.ایران در بعد امنیت ملی و انسجام و یکپارچگی ملی و بافت جمعیتی، از ابعاد پر اهمیت سوریه در سیاست منطقه‌ای ج.ا.ایران است.

حمایت ج.ا.ایران از سوریه براساس معیارهای لزوم - و نه خوب و مفید بودن - این حمایت است. از این منظر، هیچ‌گاه شاهد واگرایی روابط تهران و دمشق نبوده‌ایم. لذا در بازی خاورمیانه بین ایران و هر رقیبی دیگر از جمله عربستان و اسرائیل، بودن سوریه در اتحاد استراتژیک با ج.ا.ایران برای این کشور برد و نبود این وضعیت به معنی برد برای رقبای آن خواهد بود.

در ناآرامی‌های سوریه، کشورهای عربی و غربی تمام تلاش خود را به‌کار بستند تا با سرنگونی بشار اسد قدرت استراتژیک ج.ا.ایران را در منطقه کاهش دهند؛ زیرا کناررفتن بشار اسد از سوریه می‌تواند باخت‌های پی‌درپی در بازی خاورمیانه برای ج.ا.ایران به دنبال داشته باشد و ماندن آن بردهای پی‌درپی. به همین خاطر، ج.ا.ایران تا گام آخر از دولت

سوریه حمایت خواهد کرد؛ چون اگر نظام سوریه تغییر کند؛ ج.ا.ایران، یک متحد راهبردی را در شرق مدیترانه، از دست خواهد داد و عمق راهبردی آن تهدید خواهد شد. شکستن ارتباط - رو به گسترش سه کشور ایران، عراق و سوریه که می‌تواند جایگاه منطقه‌ای ایران را ارتقا بخشد- باختی بزرگ برای ج.ا.ایران در برابر رقبای سنتی آن؛ به خصوص اسرائیل و عربستان خواهد بود. سوریه خط مقدم عمق استراتژیک ایران است. با نقش‌آفرینی در معادلات سیاسی لبنان و فلسطین و خط مقدم درگیری با اسرائیل و همچنین، اساس محور مقاومت در کنار ج.ا.ایران، حزب‌الله و حماس در مقابله با اسرائیل، «برد» برای ج.ا.ایران و در غیر این صورت، باختی در رزومه سیاسی و استراتژیک ج.ا.ایران خواهد بود.

دسترسی به خاک سوریه، ج.ا.ایران را از تنگنای استراتژیک رهایی می‌بخشد. سوریه همیار و هم‌مرز با ج.ا.ایران؛ موقعیت مناسبی را برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق به اروپا تدارک خواهد دید. به همین دلیل، عربستان و اسرائیل داعش را به گونه‌ای ساماندهی می‌کنند تا در عراق و سوریه بر مناطقی دست یابند که مانع دستیابی ج.ا.ایران به مدیترانه باشد. سوریه همسو با ج.ا.ایران؛ دروازه استراتژیک به دنیای عرب، سنگری علیه سیاست‌های هژمونیک آمریکا و اسرائیل و مهم‌تر از همه، راه ارتباط با حزب‌الله را برای ایران هموار می‌کند.

وجود رژیم علوی در سوریه می‌تواند شکاف فارسی / شیعی و عربی / سنی را که اهل سنت و اعراب به آن دامن می‌زنند؛ کاهش دهد؛ ضمن اینکه ایران به واسطه رژیم علوی سوریه می‌تواند از نفوذ عربستان در منطقه نیز جلوگیری کند. از دید عربستان سقوط بشار اسد؛ یعنی از بین رفتن متحد ایران در منطقه است و تهران با سرنگونی نظام حاکم در دمشق تضعیف خواهد شد؛ عاملی که زمینه را برای عربستان مهیا می‌سازد تا رهبری ائتلاف سنی طرفدار و هم‌پیمان با غرب را از آن خود کند و از این طریق بتواند شکاف سنی / شیعه را تشدید و ائتلاف ضد ایرانی را مستحکم نماید.

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) // ۱۴۱

در تحولات سوریه چند گزینه احتمالی امکان پذیر است: ۱- بقای رژیم فعلی و انجام اصلاحات در راستای منافع ملی؛ ۲- روی کار آمدن لیبرال‌ها و طرفداران غرب؛ ۳- روی کار آمدن سلفی‌های تندرو؛ ۴- روی کار آمدن حکومت همسو با جریان‌های محافظه‌کار از جمله اخوان مسلمین مصر و تونس؛ ۵- تجزیه سوریه؛ ۶- وارد شدن به جنگ خارجی برای وحدت ملی. در صورت گزینه اول؛ ج.ا.ایران با برد بازی خاورمیانه و حرکت‌های فعلی را در راستای منافع ملی خود دنبال خواهد کرد؛ اما در صورت بروز هر کدام از گزینه‌های دیگر در سوریه، بهترین راهکار برای ج.ا.ایران کم کردن بیشترین ضرری است که تحمل آن برایش اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا بسان یک بازیگر کم‌بیشینه حداقل باید مدل لبنان را در سوریه با ایجاد یک حزب‌الله دیگر عمل نماید؛ سیاستی که در یمن نیز قابل پیگیری است.

منابع

- اخوان‌کاظمی، مسعود و سارا ویسی. (تابستان ۱۳۹۱). «علویان سوریه؛ از شکل‌گیری تا قدرت یابی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دهم، ش ۳۸.
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۵). روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: نشر دانشگاه مفید.
- ذوقی بارانی، کاظم و دیگران. (زمستان ۱۳۹۰). «تحلیل ژئوپلیتیک سوریه؛ بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه»، مجله سیاست دفاعی، ش ۷۷.
- سیف‌زاده، حسین. (۱۳۷۶). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالب‌های فکری، تهران: سمت.
- سیمبر، رضا و روح‌الله قاسمیان. (تابستان ۱۳۹۳). «مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، ش ۹، شماره پیاپی ۳۹.
- عبدلی، قهرمان. (۱۳۸۶). نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن: بازی‌های ایستا و پویا، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- عرب، علی. (۱۳۷۸). «کاربرد نظریه بازی‌ها در علوم انسانی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، ش ۴.
- غرایاق زندی، داود. (۱۳۸۸). «معرفی و نقد کتاب تحولات خاورمیانه از منظر ائتلاف ایران و سوریه با تأکید بر بازخوانی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»، نوشته انوشیروان احتشامی و ریموند هینوبوش، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس (نگین ایران)، سال هشتم، ش ۳۰، پاییز ۸۸.
- ونتسل، ی. س. (۱۳۷۲). نظریه بازی‌ها و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک، ترجمه جلیل روشندل و علیرضا طیب. تهران: قومس.
- هاتر، شیرین. (۱۳۹۲). سیاست خارجی ایران در دوران بعد از فروپاشی شوروی، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران: نشر میزان.

بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه (در چارچوب نظریه بازیها) / ۱۴۳

پناه‌خواهی، پریسا. (۱۳۸۹ / ۹ / ۱۶). «رکورد جهانی وزارت نیرو در ساخت نیروگاه؛

شب‌های دمشق روشن می‌شود»، روزنامه سیاست روز؛ قابل دریافت در

<http://www.siasatrooz.ir/CNewsRDetail.aspx?QSCNDId=51347>.

تاریخ بازبینی ۱۳۹۴/۶/۶.

دیپلماسی ایرانی. (۱۳۸۹/۱۲/۲۸). «قدرت نمایی ایران و دلخوری اسرائیل از آمریکا»، قابل

دریافت در <http://irdiplomacy.ir/fa/page/10499> تاریخ بازبینی ۹۴/۵/۲۱.

زینی وند، علی. (۱۳۹۴/۶/۱). «تحولات سوریه و راهبرد سیاست خارجی ایران»، قابل

دریافت در <http://siasi.porsemani.ir/content> تاریخ دسترسی، ۱۳۹۴/۶/۱.

نجات، سیدعلی. (۱۳۹۳/۵/۹). بررسی روابط ایران و سوریه، در

http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1_1406783518p1.php/87

<http://jahannews.com/vdciypa5rt1apr2.obct.html/433272>.

<http://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/12/08/1012975>.

<http://www.mop.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID>

Brams, j. steven and Togman M. Jeffrey. (mar 1998). "Cooperation through

threats: The Northern Ireland case" *Political Science*. (electronic version)

at: http://www.findarticles.com/p/articles/mi-hb3333/is-199803/ai-n_8046-702.

Brams, j. steven. (January 2001). "Game theory and cuban missile crisis" at :

http://www.Plus.maths.org.issue_13/features/brams/index.htm.

Brams, j. steven. (1994). "Theory of move" , Cambridge university press. At:

<http://www.Amazon.com/gp/product/customer-reviews/052/458676/103-9447111>.

Paul Aarts, & Joris Van Duijne. (2009). "Saudi Arabia after US–Iranian

détente: Left in the Lurch Middle East Policy " , .

www.mepc.org/journal/middle-eastpolicy-archives/saudi-arabia-after-us-iranian-detente-left-lurch.

Levinson, Charles. (2010/ june/30). "Iran Arms Syria With Radar, Wall Street

Journal", p: world. At:

<http://www.wsj.com/articles/SB10001424052748703426004575338923106485984>.

Nerguizian, Aram, (march, 2012) "U.S and Iranian Strategic Competition",

CSIS,.

